

آیات قرآن کریم آن قدر راجع به علم و راجع به دانش
سفارش فرموده است که شاید در سراسر کتب دیگر
نباشد. اسلام با تخصص، با علم، کمال موافقت را دارد،
لکن تخصص و علمی که به خدمت ملت باشد؛ در
خدمت مصالح مسلمین باشد...
صحیفه امام، جلد ۱۴



۱

من جوانان عزیز را به یک مجاهدت حقیقی دعوت
می‌کنم. مجاهدت فقط جنگیدن و به میدان جنگ
رفتن نیست. کوشش در میدان علم، اخلاق،
همکاری‌های سیاسی و تحقیق نیز برای مردم
جهاد محسوب می‌شود.

۱۳۸۱/۱۲/۰۶



ایستادگی

وفاطمه چشمان خود را باز کرد و هر دو گریه کردند.



۲ سخن سردبیر

۳ حضرت زهرا (کوی برای زندگی

۸ فضایل اخلاقی حضرت زینب

۱۱ معیار رابحه و قطع رابحه باغیر هلمنانان

۱۲ فتنه و ریشه های آن در قرآن

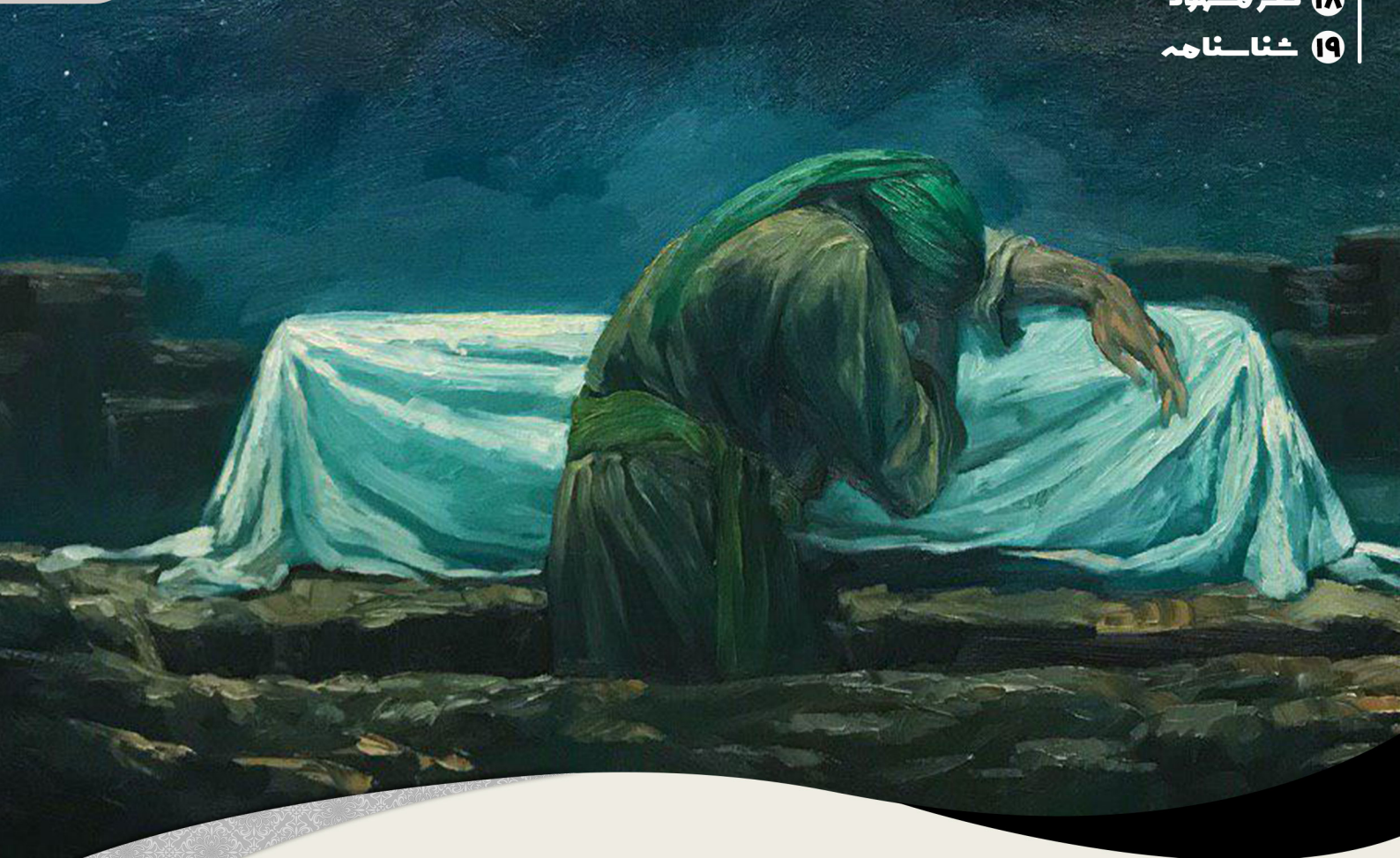
۱۴ وحدت اسلامی از منظر قرآن

۱۶ دانشجو؟!

۱۷ قرآن و کیهان شناسی

۱۸ فخر مشهود

۱۹ شناسنامه



سخن سردبیر:

قرآن، همان معجزه ی پیامبر که به منظور راهنمای زندگی، در اختیار بشر قرار گرفت. از آنجا که آدمی تنها با علم خود، قادر به درک مفاهیم حقیقی این کتاب نبود؛ مأموریت این مهم به پیامبر و اهل بیت سپرده شد تا به عنوان مفسران حقیقی قرآن، مفاهیم دقیق آن را برای بشر بازگو کنند. از همین رو پیامبر گرامی اسلام، قرآن را که ثقل اکبر است، همراهی جدایی ناپذیر از ثقل اصغر؛ که اهل بیت (س) می باشد معرفی نموده است و همواره به پیروی و نگهداری از این دو ثقل سفارش فرموده است. که بنا به فرموده ی ایشان، در حدیث مشهور و متواتر ثقلین، علاوه بر ضرورت اطاعت و نگهداری از این دو ثقل، بیان داشته اند که اگر امتش به این دو چنگ بزنند هرگز گمراه نمی شوند. آنچه که در بالا گذشت، بهانه ای شد تا نشریه ی علمی دانشجویی فخرا به مطالب علمی حوزه ی علوم قرآن و حدیث بپردازد.

در این شماره از نشریه برآنیم که پس از عرض تسلیت به مناسبت ایام شهادت ام ابیها، حضرت زهرا (س) و انجام تحقیقی به قدر حوصله ی مقاله در ابعاد شخصیتی آن بانوی بزرگوار، به مطالبی در حوزه ی علوم قرآن و حدیث بپردازیم، باشد که مطالب این شماره از نشریه برای خوانندگان مفید واقع گردد.

حضرت زهرا الگوی برای زندگی



از مهم‌ترین شیوه‌های تعلیم و تربیت، روش الگوگیری است. اسلام هم برای تربیت و تعالی انسان‌ها، بر این اصل مهم تأکید نمود؛ زیرا شخصیت الگو، به عنوان یک نقطه‌ی کانونی در محور رشد و هدایت‌های اخلاقی تربیتی قرار می‌گیرد و در شکل‌گیری رفتار تربیت شونده، آثار زیادی بر جای می‌گذارد. به همین دلیل قرآن کریم الگوهای صحیحی را تعیین نموده و بر پیروی از ایشان سفارش کرده است. از سوی دیگر نیاز به الگو، از نیازهای طبیعی بشر است و انسان را وا می‌دارد تا با در نظر داشتن الگوی مورد نظر، تلاشی هدف دار و آگاهانه برای رسیدن به ویژگی‌های رفتاری و اخلاقی الگو در پیش گیرد.

قرآن کریم، رسول گرامی اسلام (ص) را الگوی شایسته و اسوه‌ی حسنه‌ی مومنان معرفی کرده است، در این الگوگیری فرقی میان زن و مرد نیست، اما به دلیل خُلق و خوی و مسئولیت‌های خاص زنانه، لازم است زنان از جنس خود هم، الگویی داشته باشند تا از نظر پذیرش الگو و روشن شدن مصادیق اسوه‌پذیری، به راه و رسم و سیره‌ی اخلاقی و خانوادگی او اقتدا کنند. پیامبر (ص) خود در سخنانش، فاطمه (س) را از وجود خود می‌داند و بارها در جمع مؤمنین می‌فرماید: «فاطمه (س) پاره‌ی تن من است. وجود فاطمه (س) از وجود رسول خدا (ص) جدا نیست و سیره‌ی او جلوه‌ی دیگری از سیره‌ی پیامبر است، پس فاطمه (س)، ادامه‌ی راه و سیره‌ی رسول خدا (ص) در همه‌ی زمینه‌هاست از جمله بندگی خدا، تقوا و عبادت، حجاب و عفاف و...، اما آن‌چه در زندگی کوتاه حضرت، برای اسوه‌پذیری خاص زنان از ایشان بیش‌تر متبلور شده است سیره‌ی حضرت، در عرصه‌ی خانواده و همسراری و تربیت فرزندان است». اطاعت فاطمه (س) بر تمام بندگان الهی از جن و انس، پرندگان و حیوانات، پیامبران و ملائکه واجب است. امام زمان هم وجود مقدس حضرت فاطمه (س) را، اسوه‌ی نیکوی خویش دانسته و فرموده اند: «و فی ابنه رسول الله لی اسوة حسنة». (بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۸)؛ همانا دختر رسول خدا (ص) برای من الگویی شایسته است. بر اساس آیات قرآن، از جمله آیه «۳۳ سوره احزاب» «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» که معروف به آیه تطهیر است، حضرت صدیقه به مقام عصمت و انسان کامل دست یافته است. در تفاسیر مختلف، این آیه بر عصمت اهل بیت، از جمله حضرت فاطمه (س) دلالت دارد.

وقتی که شخص به مقام انسان کامل رسید، در پرتو آن معرفت به عصمت می‌رسد. بسیاری از حکمای ما، مقام عصمت را یک مقام معرفتی تلقی می‌کنند؛ هر چند بین متکلمان، به‌ویژه اهل سنت و شیعه اختلاف نظر است که آیا عصمت، قهری و جبری است یا اختیاری؟ اما تعدادی از علما معتقدند عصمت یک مقام معرفتی است که شخص به دلیل کمال علم و معرفت، از خطا و گناهان به دور است.

شخصی که در این حد از مقام علم و معرفت باشد، بدون شک سبک زندگی او شایسته پیروی است. متأسفانه به چند دلیل، در دستیابی به سیره حضرت فاطمه (س) با محدودیت منابع روبرو هستیم: اول: به دلیل شرایط اجتماعی در جامعه آن روز عرب، به زنان کمتر توجه می‌شد و زنان فعالیت اجتماعی چندانی نداشتند. حضرت صدیقه هم به‌عنوان زن، با وجود حضرت امیر، محدودیت‌هایی برای خودشان قائل می‌شدند. دوم: نکته مهم دیگر آن که مقدار آثاری که از افراد بر جای مانده، ارتباط تنگاتنگی با میزان حیاتشان بعد از وجود مقدس پیامبر (ص) دارد. در زمان حیات پیامبر اکرم (ص) همه در شعاع وجود آن حضرت محو بودند؛ نه خودشان عرض اندام می‌کردند و نه دیده می‌شدند؛ همه مستقیم از وجود مقدس پیامبر (ص) استفاده می‌کردند. اما هرچه از زمان پیامبر می‌گذشت، نیاز به مراجعه به دیگر صحابه و واسطه قرار دادن آن‌ها برای دریافت دین بیش‌تر می‌شد و مردم راهی نداشتند مگر این که به صحابه مراجعه کنند تا به واسطه آن‌ها با پیامبر و کلمات ایشان آشنا شوند. از این رو بعد از پیامبر، نزدیکان حضرت و صحابه هر اندازه عمر طولانی‌تری داشتند، مجال بیش‌تری نیز برای نقل احادیث پیامبر (ص) یافتند؛ در حالی که حضرت فاطمه بعد از پیامبر اکرم، مدت بسیار کمی، حدود ۷۵ یا ۹۵ روز ادامه حیات داد.

سوم: در شرایط سیاسی آن روز مدینه، دغدغه سیاست‌مداران مدینه، به دست آوردن حکومت و قدرت بود.

حضرت نیز در این شرایط با یک موضع‌گیری سیاسی علیه حکومت وقت به شهادت

رسید و به همین دلیل قبرش هم مخفی بود. احیای نام ایشان ملازم بود با احیای

آثار ایشان که یک مخالفت سیاسی را در پی داشت. از سوی دیگر، احادیث ایشان،

در طول زمان و به‌ویژه با ممنوعیت کتابت حدیث که دو قرن برای

همه احادیث اجرا گردید؛ به اندازه کافی منتشر نشده و بسیاری از

آن‌ها باقی نمانده است.

مجموعه این عوامل، سبب شده است که از مقام والا و سخنان و

زندگی ایشان منابع محدودی به دست ما برسد.

به هر حال، زندگی حضرت به چند بُعد تقسیم می‌شود:

• بُعد معرفتی و معنوی (سیره عبادی)

• بُعد سلوک ایشان در خانواده (سیره همسراری، خانه

داری و تربیت فرزند)

• بُعد فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی (سیره فرهنگی)

• بُعد فعالیت‌های سیاسی درباره‌ی اساس حکومت و

بحث امامت (سیره سیاسی)

با مراجعه به این ابعاد از زندگی ایشان و مطالعه هر یک از

آن‌ها می‌توان روش و سبک زندگی فاطمی را به دست آورد.



روز اطفال مادر عالم علیه السلام

۱. بُعد معرفتی و معنوی (سیره عبادی):

اولین نکته‌ای که در زندگی آن حضرت وجود داشته و بر اساس اصول اسلامی است؛ رسیدن به کمال است. اسلام، دنیا و رفاه مادی را اصل نمی‌داند، بلکه آن‌ها را زمینه ساز رسیدن انسان‌ها به کمال حقیقی می‌شمارد. زندگی دائمی و سعادت حقیقی، در سرای آخرت است. بنابراین تمام احکام اجتماعی و سیاسی اسلام و نظام‌هایی که ایجاد کرده، برای این است که انسان‌ها به آن کمال حقیقی و کمال معرفتی دست پیدا کنند. حضرت زهرا (س) در عمر کوتاه خود، بر اساس شرایط روزگار، در تنگناهای بسیاری قرار گرفتند. با وجود این سختی‌ها که گاه قهری بود و گاه انتخاب خود ایشان، و با داشتن چند فرزند و زندگی پرمشغله و پرکار، و افزون بر این‌ها غیبت فراوان امیرالمؤمنین (ع) در خانه به دلیل حضور در جنگ‌ها، عبادت و معنویات در زندگی حضرت بسیار پررنگ است.

ما دو نوع عبادت را در زندگی حضرت می‌بینیم؛ عبادت‌هایی مثل: «نماز که نیاز به فراغت از امور زندگی داشت و نمازهای خاصی به نام نماز حضرت صدیقه طاهره مشهور شده که ساعتی وقت می‌برد». این نمازها که از حضرت بر جای مانده، نشان می‌دهد که حضرت در عین رسیدگی به امور زندگی، فرصتی به این عبادت‌ها اختصاص می‌دادند.

نوع دیگر از عبادت ایشان، با کار و مشغله‌های زندگی قابل جمع است؛ مانند: «تلاوت قرآن» که در زندگی حضرت پررنگ است و از آن به‌عنوان یکی از سه محبوب خود در این دنیا یاد می‌کند.

۲. سیره حضرت در خانه:

زن در خانه سه وظیفه اساسی دارد:

- همسر داری

- خانه داری

- تربیت فرزندان

در هر یک از این وظایف، نکاتی ارزشمند و تربیتی از حضرت به دست ما رسیده است. در بحث همسر داری و احترام به همسر، در سیره حضرت می بینیم که ایشان گشاده رویی را دروازه ورود به بهشت برای مومن ذکر می کند (بحار ج ۷۲ ص ۱۴۰۱) و در رفتار با همسر نیز به سخن خود عمل می کند. (بحار ج ۳ ص ۱۱۷) در محضر پدرش، با ابراز محبت به حضرت امیر (همسرش)، او را با احترام یاد می کند.

در باب تربیت فرزند، نکاتی در روایات مطرح شده که بخش عمده آنها توصیه های پیامبر (ص) به دختر بزرگوارش، حضرت فاطمه است؛ از جمله آداب شب ازدواج، مقدمات انعقاد نطفه و آداب پیش از آن، انتخاب اسم، عقیقه کردن، اذان در گوش خواندن و...

التزام و توجه به این امور، یک سبک و روش زندگی و برخاسته از نوعی نگرش به زندگی است. در بحث پرورش جسمی کودک هم روایتی داریم که حضرت التزام داشتند فرزندان از شیر مادر استفاده کنند (مکارم الاخلاق، ص ۱۱۷) و غذای فرزند را بر غذای خود مقدم می داشتند و سعی می کردند تا حد امکان، فرزندان را سیر کنند. در زمان بیماری فرزندان نیز با دلسوزی های مادرانه، برای بهبود آنها نذر می کردند و روزه می گرفتند.

۳. سیره فرهنگی و سیاسی

در سیره فرهنگی و سیاسی حضرت داریم که آن خطبه های معروف فدکیه را در مسجد خواندند.

یا زمانی که به زیارت قبور شهدای اُحد می رفتند، شخصی از حضرت پرسید که چرا شوهرت قیام نکرد و حکومت را نگرفت؟ آنجا حضرت غدیر را یادآوری کردند و فرمودند: «مَثَلُ الْإِمَامِ مَثَلُ الْكَعْبَةِ»؛ دیگران باید به سوی امام بیایند، نه این که او به سمت مردم برود. همچنین روایت شده است که شخصی خدمت حضرت رسید و گفت: «هدیه ای از پدرت به من بده. حضرت به خادم فرمود: پوستینی را که حدیثی از پیامبر بر آن نوشته شده بود، بیاورد. خادم گفت پوستین گم شده و آن را پیدا نمی کند. حضرت فرمود: برو و آن را پیدا کن؛ «فإنَّهَا تَعْدِلُ عِنْدِي حَسَنًا وَحُسَيْنًا». این روایت، بیان گر یک آموزه دینی درباره ارزش معارف نبوی و دینی است؛ و این سخن مادر حسن و حسین (عما) و سخن حجت خداست که مبالغه نمی کند.



با وجود این نمونه‌ها از فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی حضرت، زمانی که پیامبر (ص) تقسیم وظایف فرمود و فاطمه (س) را مسئول کارهای درون خانه و خانه داری و حضرت علی (ع) را مسئول کارهای بیرون منزل کرد، ایشان اظهار خوشحالی و رضایت می‌کند. (مجلسی، بحارالانوار ۴۳، ص ۸۱) به این ترتیب، حضرت زمانی که وظیفه ایجاب می‌کرد، پرده نشین نبود و با حفظ حریم و رعایت شرایط، به فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی می‌پرداخت.

- بهترین روش برای بانوان

در روایتی نقل شده که روزی رسول خدا (ص) از اصحاب خود سوال کرد: «ای شیء خیر للنساء؛ چه روش و سیره‌ای برای زندگانی بانوان بهتر است؟» کسی نتوانست به سوال پیامبر (ص) پاسخ دهد، تا این که سلمان این سؤال را از حضرت فاطمه (علیها السلام) پرسید. آن حضرت فرمود: «خیر للنساء لا یرین الرجال و لا یراهن الرجال؛ (مجلسی، ۱۳۶۳، ۴۳: ۵۴)؛ برای زنان بهتر است که مردان نامحرم را نبینند و مردان نامحرم نیز ایشان را نبینند».

این روایت نمایان‌گر فرهنگ اخلاقی حضرت فاطمه (علیها السلام) و سیره عملی ایشان است و نشان می‌دهد که استفاده رسول خدا (ص) از کلمه خیر، بیان‌گر این حقیقت است که سیره مذکور برتر است. به دیگر سخن، حضرت فاطمه (علیها السلام) در مقام بیان، امری ایده‌آل و ترجیحی است، امری که رعایت آن رجحان و برتری دارد و عمل به آن بهتر و مطلوب‌تر است.

با مطالعه و دقت در سیره آن حضرت، می‌توان در سبک و روش زندگی خود تجدید نظر کرد و بر اساس آن جهان‌بینی

و تفکر، برنامه‌ریزی کرد. در این سیره‌شناسی، میزان اهمیت مسائل مختلف مادی و معنوی در زندگی مشخص می‌شود. همچنین با ترویج مبانی فکری ایشان در مقام الگوی انسان کامل، می‌توان هدف صحیح را در زندگی ترسیم و در ابعاد مختلف از زندگی آن حضرت الگوبرداری کرد.



مریم سادات معینی کارشناسی ارشد علوم قرآنی

بررسی فضایل اخلاقی حضرت زینب کبری (سلام الله علیها)

حضرت زینب (سلام الله علیها) سومین فرزند بزرگوار امیرالمؤمنین (علیه السلام) و حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها)، بنا به برخی از اقوال مورخین در تاریخ «۵ جمادی الاول سال ۵ هجرت» چشم به جهان گشودند.

حضرت زینب (سلام الله علیها)، دارای فضایل بسیار نیکو می باشند. لیکن به خاطر شهرت خاص حضرت در قضایای کربلا و بعد از شهادت امام حسین (علیه السلام) و دوران اسارت خاندان آل الله، بیش تر به ذکر برخی از فضایل اخلاقی حضرت زینب، مانند صبر اشاره شده است. در این جا قصد داریم که فضایل بیش تری از این بانوی بزرگوار را بررسی کنیم تا ان شاء الله راهگشایی برای زندگی زنان جامعه باشد.

اهمیت به نماز شب:

از جمله فضایل اخلاقی حضرت زینب (سلام الله علیها)، اهتمام به خواندن نماز شب بود. به طوری که در شب یازدهم محرم که آغاز مصیبت عظیمی برای حضرت بود، این بانو نماز شب خود را ترک نکردند و فقط به دلیل شدت ضعف و مصیبت، به طور نشسته نماز شب را ادا کردند. امام سجاد (علیه السلام) فرمودند: «عمه‌ام زینب در مسیر کوفه تا شام همه نمازهای واجب و مستحب را اقامه کردند و در بعضی از خانه‌ها به دلیل شدت گرسنگی وضعف، نشسته‌ای تکلیف کردند».

عفت و پاکدامنی:

رعایت عفت و پاکدامنی از سوی زنان، نشانه‌ی اطاعت آنان از دستور خداوند است. در قرآن در چندین آیه به رعایت این مسئله مهم اشاره شده است؛ از جمله: (... و الحافظین فروجهن و الحافظات ... اعد الله لهم مغفرة و اجراً عظیماً) که در این آیه شریفه به زنانی که رعایت عفت و پاکدامنی می‌کنند، وعده‌ی مغفرت الهی و دریافت اجر عظیم از سوی خدا به آن‌ها داده شده است.

(یا ایها النبی قل لازواجک و بناتک و نساء المؤمنین یدنین علیهنّ من جلابیبهنّ ذلک أدنی أن یعرفن فلا یؤذین و کان الله غفوراً رحیماً) که در این آیه خطاب به زنان و دختران پیامبر و جمیع بانوان مسلمان است که رعایت حجاب و پوشش در جامعه داشته باشند که همانا این رعایت عفت و پوشش، برای شناخته شدن آن‌ها بهتر است. به عبارت دیگر رعایت حجاب و عفت مساوی با این است که خود زنان از نگاه‌های بد و اذیت‌هایی که در جامعه آن‌ها را تهدید می‌نماید، مصون می‌مانند. از جمله مصادیق عالی جهت بهره‌برداری از آیه فوق جهت رعایت عفت، حضرت زینب (سلام الله علیها) می‌باشند.

حضرت زینب درس عفت را به خوبی در مکتب پدر آموخت. آن‌جا که امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: «مجاهد شهید در راه خدا، اجرش بیش‌تر از کسی نیست که قدرت بر گناه دارد؛ اما عفت می‌ورزد. نزدیک است که انسان با عفت، فرشته‌ای از فرشتگان باشد.» حضرت زینب (سلام الله علیها) عفت خود را در سخت‌ترین شرایط هم نشان داد. این بانوی بزرگوار و مبارز در دوران اسارت و در حرکت از کربلا تا شام سخت بر عفت خود پافشاری کرد. تاریخ نویسان گفته‌اند: «او صورت خود را با دستش می‌پوشاند و با حیاء و عفاف بر سر یزید فریاد می‌آورد که: ای پسر آزاد شده‌هایی از جدمان، پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله)، آیا این عدالت است که زنان و کنیزکان خود را در پشت پرده نگه داری و دختران رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، را به شکل اسیر به این سو و آن سو بکشانی؟ نقاب آنان را دریدی و صورت‌های آنان را آشکار کردی!»

ولایت مداری

بر اساس آیه «۵۹ سوره نساء»، اطاعت از پیامبر و صاحبان امر یعنی ائمه اطهار (علیهم السلام) در کنار اطاعت از خدا امری واجب است و این دستور الهی در قرآن، بدون هیچ قید و شرطی ذکر شده است.

حضرت زینب (علیها السلام) که محضر هفت معصوم را درک کرده‌اند، در همه ابعاد اطاعت از ولایت که همانا معرفت امام، تسلیم در برابر امر امام، شناساندن ولایت به اطرافیان، فداکاری برای حفظ جان امام می‌باشد، سرآمد بوده است. او در زمانی که کودک بود، دفاع مادرش حضرت زهرا (سلام الله علیها) از پدر را مشاهده نمود که خانم حضرت زهرا خطاب به شوهرش امیرالمؤمنین که امام و ولی او نیز هست می‌فرمایند: «روحي لروحك الفداء و نفسي لنفسك الوقاء» (یا اباالحسن روحم فدای روح تو و جانم سپر بلای جان تو باد).

حضرت زینب برای این که ولایت را به همگان خاصه مردم شام بشناساند، با خطابه‌های معروف خود در کوفه و شام، از طریق نفی اتهامات و یادآوری حقوق فراموش شده خاندان رسول خدا، این رسالت مهم را به مردم رساندند.



حضرت در قسمتی از خطبه‌ی خود در کوفه، فرمودند: «وای بر شما که برای قیامت خود، بد توشه‌ای پیش فرستاده‌اید و چه بد تدارکی دیده‌اید. خشم و غضب خداوند را برانگیخته‌اید و عذاب جاودانه‌اش را به جان خریداید. گریه می‌کنید؟ به خدا که شایسته گریستنید. گریه‌هایتان افزون باد و خنده‌هایتان اندک. دامان جانتان را به ننگ و عاری آلوده کردید که هرگز به هیچ آبی شسته نمی‌شود و چه‌گونه پاک شود ننگ و عار کشتن فرزند آخرین پیامبر و معدن رسالت؟ کشتن سید جوانان اهل بهشت؛ کسی که تکیه‌گاه جنگ تان، پناهگاه جمع‌تان، روشنی بخش راه‌تان، مرهم زخم‌هایتان، درمان دردهایتان، آرامش دل‌هایتان و مرجع اختلاف‌هایتان بود. چه بد توشه‌ای راهی قیامت‌تان کردید و بار چه گناه بزرگی را بر دوش گرفتید!» از جمله مصادیق دیگر، ولایت‌مداری حضرت زینب، می‌توان به زمانی اشاره نمود که وقتی اسرای کربلا را به مجلس ابن زیاد وارد نمودند، ابن زیاد خبیث، فرمان قتل امام سجاد (علیه السلام) را صادر کرد. حضرت زینب (سلام الله علیها)، فرزند برادر و امام خویش را در آغوش کشیدند و با خشم خطاب به ابن زیاد ملعون فریاد زدند: «ای پسر زیاد، خون‌ریزی بس است! دست از کشتن خاندان ما بردار. به خدا قسم هرگز او را رها نخواهم کرد. اگر می‌خواهی او را بکشی مرا نیز با او بکش».

بیان این فضیلت‌ها، گلی بود از گلستان سرسبز فضایل اخلاقی بانوی دو عالم حضرت زینب کبری (سلام الله علیها).

به این امید که بتوانیم از این الگوی کامل معرفت، حضرت زینب (علیها السلام) در زندگی خود بهره‌مند شویم و چراغ راه هدایت برای زندگی دیگران هم باشیم.

امام عصر ارواحنا له الفداء می‌فرمایند: «خدا را به عمه‌ام زینب قسم بدهید تا ظهور من را برساند». الهی به حق حضرت زینب عجل لولیک الفرج و جعلنا من انصاره و اعوانه.

منابع:

۱- قرآن کریم

۲- سایت جامع فرهنگی مذهبی شهید آوینی.

۳- سایت پژوهشکده باقر العلوم- فضایل اخلاقی حضرت زینب.

۴- آفتاب در حجاب، شجاعی، سید مهدی، انتشارات: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، سال چاپ، ۱۳۷۷.

اجتماعی بودن انسان اقتضا می‌کند که مردم با همه سلیقه‌های فکری و دینی، با هم در ارتباط باشند، و با استفاده از تجربه‌های یکدیگر خود و جامعه را در مسیر رشد و تکامل سوق دهند؛ اما این همکاری می‌تواند هم در امور مثبت و هم امور منفی صورت گیرد.

قرآن کریم معیار همکاری مثبت را نیکی و تقوا، و معیار همکاری منفی را گناه و دشمنی می‌داند. با این اصل، همکاری با ستم‌پیشگان و مساعدت در ظلم و ستم، امور انحرافی و اختلاف و کینه‌توزی و هر چه که خداوند از آن نهی کرده است، جایز نیست، چون این امور جامعه را به پستی و انحطاط می‌کشاند. از طرف دیگر هر نوع معاشرتی که بر پایه نیکی و تقوا باشد به گونه‌ای که موجب رشد و شکوفایی جامعه شود، مطلوب خداوند است.

خداوند معیار رابطه و قطع رابطه را در (سوره ممتحنه آیه ۸ و ۹) بیان می‌کند در آیه هشتم دو شرط سلبی برای رابطه با غیر مسلمانان بیان شده است: «شرط اول این که امنیت دینی و فرهنگی جامعه را از بین نبرند، و با مسلمانان به خاطر دینشان سر جنگ نداشته باشند. شرط دوم نیز این است که امنیت و آسایش اجتماعی را سلب نکنند، و مسلمانان را از شهر و دیار خود خارج نکنند.»

«لَا يَنْهَيْكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يَخْرِجُوكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ أَن تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ».

«خداوند نسبت به کسانی که به خاطر دین با شما سر جنگ ندارند، و شما را از شهرهایتان خارج نمی‌کنند، نهی نمی‌کند که با آنها نیکی کنید، و عدالت را نسبت به آنها رعایت کنید، خداوند عدالت‌پیشگان را دوست دارد».

اما در آیه نهم سه شرط برای قطع رابطه بیان شده است: «شرط اول این که امنیت دینی جامعه اسلامی را به مخاطره بیندازد، و به خاطر دین با مسلمانان سر جنگ داشته باشند. شرط دوم این است که امنیت اجتماعی را از بین ببرند، و مسلمانان را از شهر و دیار خود خارج کنند. شرط سوم نباید پشتیبان کسانی باشند که امنیت را از جامعه سلب می‌کنند».

«إِنَّمَا يَنْهَيْكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ أَخْرَجُوكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ وَ ظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَن تَوَلَّوْهُمْ وَ مَن يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ».

«تنها خداوند شما را نسبت به کسانی که با شما به خاطر دین سر جنگ دارند، و شما را از شهرهایتان خارج می‌کنند، و بر اخراج شما کمک می‌کنند نیکی به آنها را نهی می‌کند، و کسی که آنها را دوست قرار دهد ظالم است».

واژه فتنه یکی از واژگانی می باشد که واژه پژوهان دیدگاه های متفاوتی در معنای این واژه دارند که در متون دینی در سه مورد از جمله: (آزمون و امتحان، آمیختگی حق و باطل و آشوب و بلوا) به کار رفته است. سوالات پژوهشی:

- (۱) ریشه فتنه را از دیدگاه واژه پژوهان بررسی کنید.
- (۲) واژه فتنه در قرآن به چه معناهایی استعمال شده است؟
- (۳) چرا در قرآن آمده که پروردگارا ما را مایه فتنه و آزمون برای کفار قرار نده؟

(۱) ریشه شناسی و معناشناسی فتنه

«فتنه، از ریشه (فتن) است و به معنای سوزاندن با آتش است و فتنه به معنای ابتلاء و عذاب است. (فراهیدی، ج ۸ ص ۱۲۷)

راغب در المفردات آورده است که «فتنه» در لغت به معنای (در آتش انداختن) و (گداختن سیم و زر) به منظور آزمایش و جدا ساختن مواد خالص آن از ناخالصی هاست. (راغب، ج ۲ ص ۶۳) بر اساس اصل معنای یاد شده، این کلمه (۵۷ بار) در قرآن در معانی مختلفی به کار رفته است، مثل: «گمراهی، آزمایش، حجت، شرک، کفر، سوزاندن با آتش، عذاب، قتل، بازداشتن از راه خدا، محنت و بلای شدید.» (سفینه البحار، ج ۷ ص ۱۲۷) که البته بسیاری از این ها معنای لغوی فتنه نیست، بلکه در این مفاهیم به کار رفته و در آیاتی که این واژه آمده، به این معانی تفسیر شده است.

جمع بندی کلی می توان پنج معنای (۱) آزمایش (۲) عذاب یا اسباب عذاب (۳) شکنجه دادن (۴) بلا و مصیبت (۵) فساد کبیر را معنای کلی فتنه در قرآن دانست. «طبرسی، ج ۱۶ ص ۱۹۹» از مجموع آن چه گذشت می توان بیان کرد که در معنای «فتنه» امتحان و بلا وجود دارد. همان طور که راغب قائل بود که «فتن» در اصل به معنای قرار دادن طلا در کوره است تا خالصی از ناخالصی آن جدا شود.

فتنه، معنای جدیدی گرفته تا این که به آشوب های اجتماعی نیز فتنه می گویند که این ابزاری است برای محک زدن افراد و دوست و دشمن در این آشوب ها شناخته می شود.

با بررسی تاریخ اسلام روشن می شود که در موارد متعددی، زمینه امتحان و فتنه به وجود آمده است که بسیاری از بزرگان در آن لغزیده اند، نمونه آشکار آن فتنه «جمل» است که عامل و منشأ آن رسیدن به پست و مقام دنیایی بود. زمانی که در اثر سیاست های غلط خلفا، به خصوص عثمان، برخی اصحاب، صاحب مال و منال و کاخ و کنیز فراوان شدند و به این تفاوت در بیت المال و تفاخر عادت کردند، به گونه ای که امکان بازگشت آنان در حکومت عدل علی (ع) میسر نشد و همچنان بر زیاده طلبی خود و حقوق افزون تر از دیگران در بیت المال و حفظ دنیایی که به آن ها روی آورده بود، پای فشردند و چون امام علی (ع) را در برابر خواسته های خود محکم و تغییرناپذیر و قاطع یافتند، پیمان شکستند و تمامی سوابق مبارزاتی خود را در راه اسلام به پای منافع مادی قربانی کردند و این گونه بود که فتنه جمل را به وجود آورد.

امام صادق (ع) فرموده اند: «خدای عزوجل به مردی فرمود: آگاه باش که آغاز هر فتنه، دوستی دنیاست.» (کلینی، ج ۲ ص ۱۳۵)

واژه فتنه در قرآن کریم:

(۱) شکنجه دادن؛ در منابع تاریخی آمده است که در زمان های گذشته پادشاه بیدادگری بود که مؤمنان را شکنجه می کرد. بدین منظور گودال هایی کنده، و آن ها را پر از آتش کرده بود.

مؤمنان را نزدیک آن گودال ها می کرد تا دست از خدا و ایمان شان بردارند، و آن ها را که بر عقایدشان پافشاری داشته، و تسلیم پادشاه نمی شدند به گودال های پر از آتش می انداخت. این پادشاه و اطرافیانش به «اصحاب الاخدود» معروف شدند، یعنی صاحبان خندق ها و چاله ها. خداوند متعال در آیه

شریفه «۱۰ سورہ بروج» به این گروه اشاره کرده، می فرماید: «إِنَّ

الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ»

«گسانی که مردان و زنان با ایمان را شکنجه دادند سپس توبه نکردند، برای آن ها عذاب دوزخ و عذاب آتش سوزان است». نتیجه این که یکی از معانی فتنه، شکنجه دادن است.

۲) آزمایش و امتحان؛ این معنا از آیه شریفه «۱۵ سوره تغابن» استفاده می‌شود.
«إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَا دُكُمُ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ»

(اموال و فرزندان فقط وسیله آزمایش شما هستند؛ و خداست که پاداش عظیم نزد اوست).

۳) عذاب الهی؛ یکی دیگر از معانی فتنه عذاب الهی است. این مطلب در آیه شریفه «۲۵ سوره انفال» آمده است. توجه فرمایید: «وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ»؛

(و از فتنه و مجازاتی بپرهیزید که تنها به ستمکاران شما نمی‌رسد؛ بلکه همه را فرا می‌گیرد چرا که دیگران سکوت اختیار کردند و بدانید خداوند سخت کیفر دهنده است).

طبق این آیه شریفه عذاب الهی فقط دامن گیر ظالمان نمی‌شود، بلکه دامن کسانی که ظلم ظالم را تماشا کرده و به فریضه نهی از منکر عمل نکردند نیز می‌شود.

این آیه شامل کسانی که به وظیفه شرعی خود عمل کردند نمی‌شود؛ خلاصه این که فتنه در آیه شریفه فوق به معنای عذاب الهی است.

۴) مصیبت؛ یکی دیگر از معانی فتنه مصیبت است. این معنا در آیه شریفه «۱۱ سوره حج» آمده است؛ توجه کنید: «وَمَنْ النَّاسِ مَنْ يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَى وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ»؛

۵) (بعضی از مردم خدا را تنها با زبان می‌پرستند اگر دنیا به آن‌ها رو کند و خیری به آنان برسد، حالت اطمینان پیدا می‌کنند، اما اگر مصیبتی برای امتحان به آن‌ها برسد، دگرگون می‌شوند. و به کفر رو می‌آورند؛ به این ترتیب هم دنیا را از دست داده‌اند، و هم آخرت را؛ و این همان خسران و زیان آشکار است).

۶) فساد کبیر؛ این مطلب در آیه «۷۳ سوره انفال» آمده است. توجه کنید: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ»؛
(کسانی که کافر شدند، اولیا و

پشتیبان یکدیگرند؛ اگر این دستور را انجام ندهید فتنه و فساد عظیمی در زمین روی می‌دهد).
منظور از این که ما را مایه آزمایش برای کفار قرار نده یعنی این که ما را به دست آن‌ها عذاب نکن تا بگویند که اگر این گروه بر حق بودند، این بلا و عذاب به ایشان نمی‌رسید.
بنابراین از آیات قرآن کریم استفاده می‌شود که برخی ریشه‌های فتنه درونی است و برخی ریشه بیرونی است.

نتیجه‌گیری:

از آیات قرآن برداشت می‌شود که ریشه‌های فتنه گاهی درونی است و گاهی بیرونی.
در میان ریشه‌های درونی، ریشه اصلی همه فتنه‌ها خواهش‌های نفسانی است که منشأ گمراهی‌ها در سطح جامعه می‌شود. همچنین در آیات متعددی، نفاق و حسادت، ریشه درونی فتنه معرفی شده است. از مهم‌ترین ریشه‌های بیرونی نیز فتنه شیطان و طاغوت و عوامل نفوذی دشمن هستند

منابع و مآخذ:

• قرآن کریم

• شرح بیشتر در تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، دار الکتب اسلامی، تهران، ۱۳۷۴ شمسی، چاپ اول، (ج ۲۶ ص ۳۳۷)

• الخصال، ابن بابویه، انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۶۲ شمسی، چاپ اول، (ج ۱ ص ۲۵۳)

• از تو سوال می‌کند، مکارم شیرازی، تهیه و تنظیم ابوالقاسم علیان نژادی، مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع)، قم، ۱۳۸۷ شمسی، چاپ دوم، (ص ۸۵)

• العین، فراهیدی، (ج ۸ ص ۱۲۷)، دار الهجرة، (سال ۱۳۶۴)

• المفردات، راغب اصفهانی، ق، (ج ۲ ص ۶۳)، دار الشامیه، (سال ۱۴۱۲)

• سفینه البحار، شیخ عباس قمی، (ج ۷ ص ۱۲۷)، دارالاسوه، (۱۳۴۴ق)

• مجمع البیان، طبرسی، (ج ۱۶ ص ۱۹۹)، دارالمعرفه،

• کافی، کلینی، (ج ۲ ص ۱۳۵)، دار الثقلین، (سال ۱۳۹۳)

قرآن کریم تمام امت اسلامی، از هر ملیت و قومی که هستند را، به اتحاد و وحدت برای دفاع از اسلام و مقابله با دشمنان دعوت کرده است که برخی از آیات عبارت اند از: «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر واثی وجعلناکم شعوبا وقبائل لتعارفوا ان اکرکم عندالله اتقیکم» (حجرات: ۱۳). از آیه فوق استفاده می شود که قرآن منکر قومیت نیست و آن را از شئون خلقت می داند و در آخر آیه خدا معیار برتری را تقوا قرار داده و در سایه تقوا و پرهیزگاری، اختلافات برچیده و مسیر وحدت تحکیم خواهد شد. از آیات قرآن استفاده می شود که وحدت باید بر اصول و ارزش های الهی



باشد و برای اصول مشترک و اهداف مشترک مسلمانان باهم متحد و منسجم گردند. (رضوانی، بیتا، ص ۱۹). در جایی دیگر خدا می فرماید: «ان هذه امتکم امه واحده وانا ربکم فاعبدون» (انبیا: ۹۲). در آیه دیگر آمده: «انما المومنون اخوه» (حجرات: ۱۰) قرآن درصدد گسترش روحیه برادری در بین عموم مردم خصوصا مسلمانان است؛ به همین جهت قرآن تمام مومنان را برادر یکدیگر خطاب کرده است. همبستگی امت اسلامی از مسائل قابل توجهی است که لزوم و اهمیت آن از دیدگاه قرآن و سنت و منطق عقل و اجماع به اثبات رسیده است.

فقها، متکلمان، محدثان و مفسران بزرگ اسلام نیز در طول چهارده قرن به تأیید و تبیین وجوب و ضرورت آن در ابعاد مختلف پرداخته و حتی در این راه جان فشانی هم کرده اند.

در آیه هایی از قرآن همچون: «واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا» (آل عمران: ۱۰۳)، «هذه امتکم امه واحده» (مومنون: ۵۲) به همبستگی همه مسلمانان در سیمای یک امت با یک دین و به سوی یک هدف تاکید فراوانی شده است به گونه ای که ما می توانیم عالی ترین و بارزترین مظهر همبستگی را در بسیاری از عبادت های واجب و حتی مستحب اسلام ببینیم. (جبل عاملی، ۱۳۸۹، ص ۱۳).

خدا در آیه ای عدم تفرقه و وحدت را بر محور راه مستقیم قرار داده که همان کتاب و امام معصوم است. آن جا که می فرماید: «وان هذا صراطی مستقیما فاتبعوه ولا تتبعوا السبل فتفرق بکم عن سبیلہ ذلکم وصیاکم به لعلکم تتقون» (انعام: ۱۵۳).

و در جای دیگر می فرماید: «ومن یعتصم بالله فقد هدی الی صراط مستقیم» (آل عمران: ۱۰۱) در این آیه به جای حبل الله تعبیر به الله کرده و حبل را حذف نموده و از این جا استفاده می شود که حبل الله باید کسی باشد که مظهر خدا و کلمه قولی و فعلی اتم خداوند باشد. (رضوانی، ۱۳۸۷، ص ۱۰، ۱۱، ۱۲).

با مراجعه به آیات قرآن در خواهیم یافت که تاکید قرآن بر ضرورت وحدت و هم‌گرایی در جوامع بشری منحصر به موردی خاص نیست و آن‌گاه که قرآن از این گوهر گران‌بها سخن به میان آورده است، آن را در سطح جامعه‌ی جهانی، ادیان آسمانی و جامعه ایمانی مطرح ساخته است. هم‌گرایی انسان‌ها در تمام گیتی و در طول تاریخ با صرف‌نظر از زبان، زمان، نژاد، رنگ، ملیت و دین مورد حمایت و تشویق قرآن قرار گرفته است. (وطن دوست، ۱۳۸۸، ص ۱۷ و ۱۸).

در طول تاریخ همواره کسانی بوده‌اند که هم‌بستگی و اتحاد مردم با مقاصد شوم و شیطانی آنان در تضاد بوده است. اینان برای حفظ منافع نامشروع خود با ایجاد موانع، راه وحدت مسلمانان را ناهموار و گاهی مسدود کرده‌اند، به‌همین دلیل یکی از راه‌های حفظ هم‌بستگی و تقویت آن، زدودن موانع و مشکلات اتحاد اسلامی است. عواملی که تلاش می‌کنند یک‌دلی و هماهنگی مردم شکل نگیرد، افرادی منحرف، بیگانه پرست و گروه‌های نفاق محسوب می‌شوند. قرآن کریم خطر این عوامل را به مسلمانان گوش‌زد کرده و آنان را به هشیاری در مقابل این گروه‌ها دعوت می‌کند. خدا در آیات متعددی از چهره زشت این افراد پ رده برداشته و صفات نکوهیده را به مردم می‌شناساند و می‌فرماید: «آنان می‌گویند به همراهان و هواداران رسول خدا(ص) یاری نکنید تا از اطراف او پراکنده شوند غافل از این‌که خزائن آسمان و زمین از آن خدا می‌باشد ولی اهل نفاق نمی‌فهمند». قرآن چنان با قاطعیت با گروه‌های نفاق‌افکن و عوامل وحدت ستیز برخورد می‌کند که به رهبر مسلمانان دستور می‌دهد مسجد ضار را که به عنوان مرکز تفرقه درست شده است، تخریب نماید و به صراحت توطئه‌های وحدت‌شکن منافقان را افشا می‌کند. (پاک نیا، ۱۳۸۴، ص ۱۱).

نتیجه‌گیری:

برای ایجاد وحدت، راهکارهایی از سوی قرآن همچون توجه به نقاط مشترک، چنگ زدن به ریسمان الهی، مراجعه به سنت پیامبر، مراجعه به اهل‌بیت ذکر شده است. رسیدن به اتحاد اجتماعی آثار و نتایج ثمربخشی هم‌چون: امنیت و آرامش، برچیده شدن سلطه بیگانگان و استعمارگران، حفظ استواری و استحکام و حفظ قدرت و جبروت را به دنبال خواهد داشت و در کل رمز پیروزی، وحدت می‌باشد.

منابع:

قرآن کریم.

رضوانی، علی اصغر، اتحاد ملی و انسجام اسلامی در پرتو آموزه های غدیر، انتشارات مسجد مقدس جمکران، قم، بیتا، چاپ اول، ص ۱۹.

موسوی ج



اگر بخواهیم در همین ابتدای کار به معنای لغوی دانشجو بپردازیم، کلام بسی تکراری ست. دانشجو، به کسی اطلاق می شود که به دنبال علم و دانش پژوهش است. حتی در این رابطه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «کل جُلُوسٍ فِی الْمَسْجِدِ لَعُوٌّ إِلَّا ثَلَاثَةٌ: قِرَاءَةُ مُصَلٍّ أَوْ ذِكْرُ اللَّهِ أَوْ سَائِلٌ عَنِ عِلْمٍ؛ هر نشستنی در مسجد بیهوده است مگر نشستنی سه کس: نمازگزاری که (قرآن) قرائت کند، کسی که ذکر خدا بگوید و کسی که به جست و جوی دانش باشد. اما خب از نظر من، این سوال مشکل دارد، زیرا اگر دانشجو ندادند کیست و چه وظیفه ای دارد، نمی توان او را، دانشجو نامید. در جامعه امروزه یا شاید بهتر است بگوییم از نسل ۷۰ به بعد، به ما یاد ندادند که چه طور یک دانشجوی خوب باشیم. ما از همان ابتدای کار که مدرسه رفتیم تا امروزی که دانشجو شدیم مدام نگران نمره بودیم و بس. در صورتی که یک دانش آموز وبعد یک دانشجو به وظیفه خود به طور صحیح، عمل می کند که روی خودش کار کرده باشد، واهدافش اساسی و هدفمند باشد. مهم ترین ویژگی دانشجو و دانش پژوه خوب، همچنین ادب تحصیل علم، این است که در مسیر یادگیری و رشد علمی، دارای نیت پاک باشند و در جهت هدفی الهی و انسانی گام بردارند. نیز در راه تحصیل علم، باید در خواندن، نوشتن، مباحثه، تفکر، حفظ کردن مطالب، و... همواره کوشا بود، و همبستگی با اشتغالات علمی را مطلوب خویش برشمرد و آن را سرمایه زندگانی خود دانست. پیامبر اکرم (ص) فرمود: «خداوند عزوجل می فرماید: مذاکرات و گفت و گوهای علمی در میان بندگانم به شرط آن که این مذاکرات، آنان را به امر و فرمان و شناخت من، رهنمون باشد از عواملی است که می تواند قلب های مرده و دل های خفته را زنده و بیدار سازد.» دانشجو باید درد را احساس کند و در پی درمانش باشد. اگر درد را احساس نکند دانشجو نیست و اگر احساس کند و در پی درمانش نباشد، باز هم دانشجو نیست. دانشجو، یعنی کسی که در جامعه پویایی ایجاد می کند، کسی که محیط اطرافش را متحول می کند، کسی که حرف می زند و حرفش را به کرسی می نشاند، کسی که جریان ایجاد می کند، کسی که زنده است، فعال است، موثر است و نبودش احساس می شود. تا وقتی دانشجو زنده باشد، جامعه نیز زنده است و رو به جلو حرکت می کند و مادامی که دانشجو با سکوت و رخوت، به کناری بنشیند، جامعه نیز رو به افول می رود. اما منظور از پویایی و زنده بودن، هیاهو نیست چرا که هیاهو کوتاه مدت است و تاثیر ندارد؛ منظور قدرت ایجاد تاثیرات مفید و بلند مدت در محیط اطراف است و این است که دانش آموز را دانشجو می کند. بی شک ترم به ترم معدل آوردن، مقاله دادن، کارشناسی ارشد قبول شدن و... دانش آموز را دانشجو نمی کند. این مثل همان بدنی است که تنها یکی از اعضایش رشد کرده و بقیه اعضا در اندازه قبل خود مانده اند.

در کل برای حسن ختام کلام به یک حدیث بسیار زیبا اشاره کنم: امام علی (ع) فرمودند: «کسی که به جاده علم و دانش قدم نهد؛ خداوند او را به سوی بهشت رهنمون خواهد کرد، و فرشتگان بال و پر خویش را با میل و رغبت زیر پاهای اهل علم می گسترانند و تمام موجودات آسمان و زمین، حتی ماهیان دریا، برای طالب علم استغفار می کنند.

پدیده آسمان و ستارگان خیره کننده آن در شب، همیشه یکی از دغدغه‌های فکری بشر بوده است. تا آن‌جا که رشته‌ای از علوم بشری اختصاص به شناخت آسمان‌ها، ستارگان، سیارات و قمرهای آن‌ها پیدا کرده و تحت عنوان «علم نجوم و کیهان‌شناسی» از آن یاد می‌شود. قرآن کریم نیز به این پدیده عظیم خلقت توجه فراوان نموده و در آیات متعددی از آن یاد کرده است. در این‌جا یکی از آیات قرآن را که با مطالب، علمی کیهان‌شناختی و فیزیک کیهانی انطباق داده‌اند مورد بررسی قرار می‌دهیم.

حرکت خورشید از منظر قرآن کریم:

خورشید یکی از نشانه‌های الهی است که خداوند در قرآن به آن سوگند خورده است «وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا» (شمس/۱)؛ در آیات متعددی از خورشید و حرکت‌های آن یاد شده است و لذا بسیاری از مفسران و صاحب نظران و متخصصان کیهان‌شناسی در این مورد اظهار نظر کرده‌اند. خورشید ستاره‌ای است که هر انسانی می‌تواند هر روز آن را ببیند و حرکت روزانه آن (از طرف مشرق به مغرب، همیشه توجه انسان را به خود جلب کرده است. انسان‌ها تا قرن‌ها فکر می‌کردند که خورشید به دور زمین می‌چرخد و هیئت پیچیده بطلمیوسی نیز بر همین اساس پایه گذاری شده بود که زمین مرکز جهان است.

اما در اعصار جدید روشن شد که خورشید دارای چند حرکت است: «اول حرکت وضعی که هر ۲۵/۵ روز یک بار به دور خود می‌چرخد. دوم حرکت انتقالی از جنوب آسمان به سوی شمال آن که هر ثانیه ۱۹/۵ کیلومتر همراه با منظومه‌ی شمسی حرکت می‌کند. و سوم حرکتی انتقالی که با سرعت ۲۲۵ کیلومتر در ثانیه به دور مرکز کهکشان می‌گردد. که در این حرکت نیز، منظومه‌ی شمسی را به همراه خود می‌برد. البته برای خورشید حرکت‌های دیگری نیز گفته شده است که در این مقاله جای بحث نیست. در آیات «۳۸ تا ۴۰ سوره یس» می‌خوانیم: «وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ * وَالْقَمَرَ قَدَرْنَاهُ يَمَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ * لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ»؛ (و خورشید [نیز برای آن‌ها آیتی است] که پیوسته به سوی قرارگاهش در حرکت است؛ این تقدیر خداوند توانا و داناست * و برای ماه منزل‌گاه‌هایی قرار دادیم. او هنگامی که این منازل را طی کرد [سرانجام به صورت شاخه کهنه [قوسی شکل و زرد رنگ] خرما درمی‌آید * نه خورشید را سزااست که به ماه برسد، و نه شب بر روز پیشی می‌گیرد، و هر یک در مسیر خود شناورند.

این افتخاری برای قرآن است که سال‌ها پیش از اکتشافات علم نوین نجوم، به انواع گردش خورشید اشاره کرده است.

قرآن در آیات فوق به دو دلیل نظریه پیشین، یعنی ثابت بودن خورشید را رد می‌کند و موافق با نظریه علم نوین کیهان‌شناسی می‌باشد:

اولاً: خورشید پیوسته به سوی قرارگاهش در حرکت است (یا خورشید در قرارگاه خود در حرکت می‌باشد)، نه این‌که خورشید به دور زمین، آن هم نه خودش بلکه به دنبال فلک بلورینش در حرکت است.

ثانیاً: خورشید و ماه هر کدام در مسیر خود شناورند.

با این توضیحات می‌توان ارتباط و مطابقت علوم نوین کیهان‌شناسی را با آیات قرآن کریم دریافت.

منابع:

مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۸

رضایی اصفهانی، محمد علی، اعجازها و شگفتی علمی قرآن، ۱۳۸۹.

رضایی اصفهانی، محمد علی، کتاب پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ۱۳۸۱.

گاه‌نامه انجمن علمی دانشکده علوم قرآنی شیراز

*** نیمه اول دی ماه ۱۴۰۱ ***

شماره ۴۰

فخر شهید

شهید محسن فخری زاده

مقام والای شهادت یاداشتن الی تدشع علمی ماندگار اوست

دانشمند برجسته و ممتاز هسته‌نی و دفاعی کشور جناب آقای محسن فخری زاده به دست مزدوران جایتکار و شقاوت‌پیشه به شهادت رسید. این عنصر علمی کم نظیر جان عزیز و گرانها را به خاطر تلاشهای علمی بزرگ و ماندگار خود، در راه خدا میذول داشت و مقام والای شهادت، یاداش الی اوست.

KHAMENEI

در این باره وبگاه «والانیوز» گزارش داده بود عوامل موساد پیش‌تر تلاش کرده‌اند یک دانشمند هسته‌ای ایرانی به نام «محسن فخری‌زاده مهابادی» که مسئول راکتور اتمی تهران است را ترور کنند.

این وبگاه اذعان کرده بود، تمام دانشمندان هسته‌ای ایرانی که پیش‌تر ترور شدند یا سوء قصدی علیه جان آن‌ها انجام گرفته، عملیات آن توسط عاملین موساد اجرا شده است.

نام فخری‌زاده از طریق لیست سازمان ملل در اختیار موساد قرار گرفته بود. وی در این لیست تحت عنوان «دانشمند ارشد وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و رئیس پیشین مرکز تحقیقاتی فیزیک» معرفی شده بود.

شهید محسن فخری‌زاده، پس از عمری مجاهدت و تلاش خستگی‌ناپذیر در صحنه‌های علمی و دفاعی کشور، سرانجام در بعدازظهر روز جمعه به تاریخ (۷ آذر ۱۳۹۹) ش، در یک عملیات تروریستی در آبسرد دماوند، به وسیله انفجار و شلیک، مورد سوء قصد قرار گرفت و به درجه رفیع شهادت نائل آمد.

در جریان این عملیات تروریستی، خودرو حامل ایشان مورد حمله قرار گرفت و در جریان درگیری تیم حفاظت ایشان با تروریست‌ها، آقای فخری زاده به شدت مجروح شد و به بیمارستان منتقل گردید اما تلاش تیم پزشکی برای احیاء ایشان موفق نبود و این دانشمند بزرگوار به دیدار معبود شتافت.

محسن فخری زاده مهابادی با نام مستعار دکتر حسن محسنی در سال (۱۳۳۶) ش، در شهر قم دیده به جهان گشود.

شهید فخری‌زاده، دارای تحصیلات کارشناسی ارشد فیزیک هسته‌ای بود که از سال (۱۹۹۲) م، به‌عنوان عضو هیئت علمی دانشکده فیزیک دانشگاه امام حسین (علیه‌السلام) و سپس رئیس دانشگاه صنعتی مالک اشتر انتخاب شد. وی از ابتدای تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عضویت آن درآمد و با تشکیل واحد تحقیقات ویژه اتمی در سال (۱۹۸۳) م، در مرکز تحقیقات سپاه پاسداران، فعالیت خود را شروع کرد. در جریان همه‌گیری بیماری کرونا نیز شهید فخری زاده نقش مهمی داشته است.

سال (۱۳۹۷) ش، منابع رژیم صهیونیستی اعلام کرده بودند که سازمان جاسوسی این رژیم «موساد» تلاش کرده یک دانشمند هسته‌ای ایران را ترور کند اما عملیات او موفق نبوده است.



فخر

• صاحب امتیاز:

انجمن علمی رشته علوم قرآن و حدیث
دانشکده علوم قرآنی شیراز

• مدیر مسئول:

محمد هادی مرادی

• سردبیر:

آرزو رضائی

• طراح:

مریم توکلی

• ویراستار:

فرشته محمدی

• هیئت تحریریه:

دکتر عبدالرسول هادیان شیرازی

مریم سادات معینی، مریم طاهری

وحید عسکری، صابر سبحانی نسب

• راه های ارتباطی: (جهت ارسال انتقادات

و پیشنهادات شما مخاطبین گرامی)

☎ ۰۹۳۳۹۶۷۰۴۴۳

✉ @elmi_shiraz